



امکان تخلف و جابه‌جایی رای نیست

آیت‌الله سیدحسین عاملی، امام‌جمعه اردبیل در خطبه‌های نماز جمعه روز گذشته گفت: «کاندیدها و طرفداران آنها خوب دقت کنند که نتیجه انتخابات هر چه باشد همه در برابر آن و در برابر قانون تسلیم باشند. سیستم انتخاباتی ایران به نحوی است که امکان تخلف و امکان جابه‌جایی رای نیست. یک مرکز تحقیقاتی در آمریکا اعلام کرده رقابت در انتخابات ایران بی‌نظیر و نتیجه نیز غیرقابل پیش‌بینی است.» وی در ادامه افزود: «عزیزان دقت کنند نتیجه انتخابات هر چه باشد برای ما محترم است چون رای مردم و تشخیص مردم برای ما محترم است هر کس انتخاب شود. ما با خصوصیات فرد کار نداریم آنچه برای ما مهم است تشخیص مردم است ما حق نداریم تشخیص مردم را تخطئه کنیم. روز شنبه همه باید در برابر مردم خاضع باشند و هر کس احیاناً اعتراضی دارد باید از طریق قانونی اقدام کند. هیچ کس در دنیا و در داخل و خارج کشور نمی‌تواند بگوید انتخابات ایران مهندسی شده است و نتایج از قبل تعیین شده است این را بهتر از همه خود ملت با تمام وجود لمس کرده است.»



ضرورت پاسخگویی صاحبان قدرت

سیدمحمدحسن ابوترابی فرد، امام‌جمعه موقت تهران در خطبه‌های نماز جمعه روز گذشته گفت: «اگر ساز و کار و ابزارهای پاسخگویی مدیران و مسئولان طراحی گردد بدون تردید به ارتقاء کارایی نظام، اعتماد عمومی و مشارکت مردم می‌انجامد. حکمرانی برآمده از اراده ملت و مشارکت شهروندان در کشورداری باید مستمر، پایدار و بی‌اثبات باشد؛ یکی از عوامل اساسی در پایداری و وثبات مشارکت مردم پاسخگویی صاحبان قدرت است.» وی در ادامه افزود: «تلاش برای اجرای هر چه دقیق‌تر قانون اساسی اصلی‌ترین چارچوب افزایش سطح مشارکت و ارتقاء نقش مردم در نظام جمهوری اسلامی است. در حکمرانی برآمده از اراده ملت و مبتنی بر مبانی حقوقی پیوند تنگاتنگ و درهم‌تنیده شهروندان در اداره کشور و شکل‌گیری نهادهای و نظام‌های سیاسی از مهم‌ترین ارکان مردم‌سالاری دینی و اقتدار ملی است.»



انتقام دستور کار جاری است

حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در همایش تجلیل از خانواده‌های معظم شهدای دفاع مقدس و شهیدان مدافع حرم و امنیت و شهدای تشییع شهید حاج قاسم سلیمانی و همچنین جنایت تروریستی گلزار شهدای کرمان با تأکید بر اینکه ما به خوبی دشمنان ملت ایران را می‌شناسیم و از نقشه‌های شوم آنان آگاه هستیم، گفت: «نهایت اهداف و برنامه‌های اصلی ما نزدیک‌سازی دشمنان کوچک و بزرگ انقلاب، نظام و ملت ایران به مغرب زندگی‌شان است و به فضل الهی زندگی را بر آنها تنگ و تیره خواهیم کرد. قطعاً ما اجازه نمی‌دهیم این‌ها بر مسلمانان غالب شوند؛ البته این سنت الهی است، خداوند راهی برای غلبه کفار بر مومنان باز نمی‌گذرد، منتهی ما باید در صحنه باشیم. در میدان عمل نصرت الهی نازل می‌شود و سرانجام مسلمانان در همه صحنه‌ها پیروز خواهند شد و این اراده الهی است؛ ولی به دست مسلمانان آنها را عذاب خواهد داد. نمی‌توانند از عذاب الهی فرار کنند. راه فراری وجود ندارد.» سلامی خاطرنشان کرد: «شاید داستان خیلی از انتقام‌های بیان نشده؛ ولی انتقام از همه دشمنان دستور کار جاری است و هرگز از دستور کار ما حذف نخواهد شد. ما اجازه نخواهیم داد که این‌ها بر سرنوشته مسلمانان حاکم شوند.»

محسن آرمین تحلیلگر سیاسی و قائم‌مقام جبهه اصلاحات تشریح کرد:

کنش اصلاح‌طلبی و نظام هیبریدی ایران



منصوره محمدی

خبرنگار گروه سیاسی

هفته گذشته و در آستانه برگزاری انتخابات مجلس دوازدهم نشست پرسش و پاسخ مجازی با عنوان «اصلاح‌طلبان و انتخابات در نظم دسترسی محدود» با حضور محسن آرمین، قائم‌مقام جبهه اصلاحات، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و نماینده تهران در مجلس ششم و جمعی از فعالان سیاسی برگزار شد. آرمین ابتدا توضیحاتی درباره مواضع اصلاح‌طلبان نسبت به انتخابات، لیست روزه‌گشایی، انتخابات در نظم دسترسی محدود ارائه کرد و در ادامه پرسش‌هایی درخصوص رقابت حداقلی، دلایل عدم ارائه لیست از سوی اصلاح‌طلبان، دوگانه صندوق و خیابان، کنشگری انتخاباتی اصلاح‌طلبان و... مطرح شد که به آنها پاسخ داد:

تحلیل‌تان از مفهوم اصلاح‌طلبی در ایران چیست؟ جایگاه اختلاف‌نظر و تفاوت دیدگاه در یک جبهه سیاسی را چگونه تشریح می‌کنید؟

اصلاح‌طلبی یک طیف گسترده است و وجود اختلاف‌نظر در آن امری بدیهی است. همیشه این اختلاف‌نظرها وجود داشته و درون جبهه اصلاحات هم این اختلاف‌نظرها وجود داشته و دارد. آنچه این مجموعه را با وجود اختلاف‌نظرها حفظ کرده است، مبانی مشترک اصلاح‌طلبی است. در میان اصلاح‌طلبان، همگی بر اینکه صندوق رای و نهاد انتخابات در کانون پروژه اصلاح‌طلبی قرار دارد، مشترک هستند. همگی با براندازی مرزبندی دارند و بنابراین همگی به حاکمیت به مثابه یک واقعیت و تعامل با آن از موضع اصلاح‌طلبانه و حفظ حقوق اساسی جامعه به جای تقابل با حاکمیت باور دارند. همه اصلاح‌طلبان معتقدند که هر تلاشی برای اصلاح و تحول در نهایت باید به صندوق رای منتهی شود و از صندوق رای برآید. همگی اصلاح‌طلبان خواهان مردم‌سالاری در سطح ملی و صلح در سطح بین‌المللی هستند و راه حل مشکلات کشور را در مناسبات دموکراتیک برپایه توسعه همه‌جانبه و بهبود روابط با کشورهای جهان و برقراری رابطه همکاری‌های اقتصادی با همه کشورهای جهان براساس منافع ملی می‌دانند. البته ممکن است در تعریف برخی از موارد اشتراک فوق، برای مثال تعامل با حاکمیت، میزان شفافیت و صراحت و... اختلاف‌نظر داشته باشیم، اما در اصل این موارد اختلاف‌نظری وجود ندارد. لذا اختلاف میان اعضای جبهه اصلاحات را اختلافات بنیادین نمی‌دانم. اگر چه گرایش‌های رادیکال و محافظه‌کار در دو سوی طیف اصلاحات قابل انکار نیست، اما مقصود من از اصلاح‌طلبان، بخش‌های میانی آن است که دامنه بلندی دارند و بخش عمده اصلاح‌طلبان را تشکیل می‌دهند. طبیعتاً یک سوی لایه این منحنی به اصولگرایان نزدیک است که شرکت در هر انتخاباتی را تحت هر شرایطی توصیه می‌کنند و سوی دیگر آن تا فراهم شدن شرایط دموکراتیک خواهان عدم شرکت در هر انتخاباتی است. بنابراین نباید اختلاف موجود را بیش از اندازه بزرگ کرد و یا به آن دامن زد و باید آن را در حد یک اختلاف راهبردی تعریف کرد. این خطای استراتژیک بزرگی است که برخی دانسته یا نادانسته مرتکب آن شده‌اند یا می‌شوند چراکه لازمه عمل مشترک در یک مجموعه سیاسی، داشتن راهبرد مشترک است. اگر مجموعه بپذیرند در استراتژی و راهبرد با هم اختلاف‌نظر دارند، دیگر فعالیت مشترک آن‌ها منتع می‌شود و در نهایت به انشعاب منجر می‌شود. پرهیز از بزرگ کردن اختلافات در حد یک اختلاف مبانی، از موضع مصلحت‌اندیشانه و عملگراییانه نیست، بلکه کاملاً منطبق با واقعیات جاری در جبهه اصلاح‌طلبی است. [...] اصلاح‌طلبان درباره اصل کنشگری در شرایط دسترسی محدود اختلافی ندارند بلکه بر سر اینکه آیا با توجه به تحولات سال‌های اخیر و عزم حاکمیت بر خالص‌سازی و ویژه‌گزینی گسترده و در تمام سطوح، در وضعیت کنونی، در شرایط نظم دسترسی محدود قرار داریم یا خیر؛ که نظرات متفاوتی مطرح است و این یک اختلاف موردی و در تحلیل وضعیت موجود است. اساساً در نظام‌های هیبریدی لزوماً هر انتخاباتی در هر شرایطی فرصتی برای بهبود اوضاع محسوب نمی‌شود. چنین تقریری از نظریه مذکور چندان عالمانه و دقیق نیست.

آیا انتخابات در نظام‌های هیبریدی با هر ویژگی‌ای که نظام داشته باشد و با هر مشخصات اجتماعی و سیاسی، می‌تواند به دموکراسی یا بهبود بیشتر و یا تأمین خیر آن بی‌انجامد؟

پاسخ نظریه‌پردازانه عرصه دانش سیاسی به این پرسش منفی است. برخی از نظام‌های کاملاً اقتدارگرا مثل حکومت سوریه همه احزاب مطیع و تابع را در قالب یک جبهه فراگیر تحت عنوان جبهه تقدیمی - اشتراکی سازمان‌دهی می‌کنند که بازیگر اصلی آن، حزب بعث سوریه است و احزاب دیگر که همگی به هسته

اصلی قدرت وفادار هستند، حضوری بی‌اثر در این جبهه دارند. شاه نیز در سال‌های آخر حکومت خود تقریباً همین الگو را برگزید و حزب «رستاخیز» را تأسیس کرد تا دو حزب «ایران نوین» و «مردم» در درون آن به عنوان فراکسیون فعالیت داشته باشند. در حزب رستاخیز محوریت با حزب ایران نوین بود و حزب مردم به‌عنوان یک فراکسیون ضعیف در آن حضور داشت و هر دو به شاه وفادار و مطیع او بودند. طبعاً انتخابات در این گونه نظام‌ها به بهبود شرایط و خیر عمومی نمی‌انجامد. اگر روند تحول حاکمیت اقتدارگرا به گونه‌ای باشد که به هر علت با دلیل مشارکت‌متقدمان و مخالفان را در ساختار حاکمیت بپذیرند، در چنین شرایطی طبعاً نیروهای منتقد بر خود را از حمایت اجتماعی می‌توانند از فرصت به‌دست‌آمده استفاده کنند و با حضور در حاکمیت برای بهبود شرایط و یا تحقق حداقل‌های لازم نقش‌آفرینی کنند. اما تا زمانی که حکومت به این نتیجه نرسیده و تمامی ابزار انتخابات، نظارت و برگزاری در اختیار خودش است، دایره نخبگان حاضر در قدرت را از سطح وابستگان و حامیان بانفوذ خود گسترده‌تر نمی‌کند و حداکثر به حضور و پیرینی لایه‌های بی‌خطر غیر حامی برای نمایش دموکراتیک اکتفا می‌کند. لذا انتخابات در نظام‌های اقتدارگرا لزوماً ابزاری برای تحول نیست، برای اینکه نهاد انتخابات به ابزاری برای تحول تبدیل شود، شرایطی لازم است و صرف شرکت در هر انتخاباتی نمی‌تواند ما را به تحول و یا وضعیتی بهتر نزدیک کند. دیدگاهی که نفس انتخابات را بدون توجه به شرایط ابزاری برای تحول ارزیابی می‌کند از این نکته غافل است که ماهیت برگزاری انتخابات با اقتدارگرایی تضادی ندارد. به‌راحتی می‌شود شرایطی را تصور کرد که انتخابات به تثبیت اقتدارگرایی منجر شود. نمونه چنین انتخاباتی را می‌توان در نظام‌های روسیه و سوریه مشاهده کرد. جنیفر گاندی، استاد دانشگاه ییل و آلن لاس اوکارد (Ellen Lust-Okar) استاد دانشگاه کولمبیا در مقاله انتخابات در نظام‌های اقتدارگرا، ابزار تثبیت یا وسیله تحول به این موضوع پرداخته‌اند. آن‌ها در این مقاله می‌گویند که این پرسش‌ها پاسخ دهند که آیا وقتی حکومت‌های اقتدارگرا انتخابات برگزار می‌کنند لزوماً دموکراتیک‌تر می‌شوند؟ آیا بین انتخابات در گونه‌های مختلف حکومت‌های اقتدارگرا تفاوتی وجود دارد؟ [...]

در نظام‌هایی مانند سوریه و کره شمالی انتخابات موجب تثبیت حکومت اقتدارگرا می‌شود و در ایران و مصر در دوره‌هایی انتخابات آثار بهبود محسوسی داشته و در برخی دوره‌ها نداشته است. نکته مهمی که باید به آن توجه داشت، وضعیت جامعه و مردم است. طبیعتاً کنش سیاسی و اجتماعی برای مثال در ایران و پاکستان بسیار با همدیگر متفاوت است. در جامعه پاکستان تحت تأثیر استعمار انگلیس سنت حزبی جافقاده‌ای وجود دارد و جامعه رفتار حزبی دارد. فرهنگ جامعه فرهنگ حزبی است و انتخابات به‌صورت حزبی برگزار می‌شود. در انتخابات پاکستان کنشگری از طریق احزاب است. در ایران هیچ کدام از این مشخصات وجود ندارد. وقتی اصلاح‌طلب‌ها در یک انتخابات مرتکب خطا می‌شوند یا حتی خطایی نمی‌کنند اما قادر نیستند که مطالبات مورد انتظار جامعه را محقق کنند، اعتماد جامعه از آن‌ها سلب و یأس و سرخوردگی از آن‌ها گسترش پیدا می‌کند. لذا حضور مؤثر انتخاباتی در چنین نظامی با عنوان کنشگری در شرایط نظم دسترسی محدود به معنای کنشگری در هر شرایطی نیست، بلکه شروطی لازم دارد که بخشی از آن به حاکمان نظام هیبریدی بازمی‌گردد و بخشی نیز به جامعه بازمی‌گردد. از جمله شروطی که به جامعه باز می‌گردد اعتماد و حمایت پایگاه اجتماعی نیروهای تحول‌خواه و اصلاح‌طلب است. کسانی که بدون توجه به مختصات جامعه و نظام ایران و جامعه معترض ایران به این نظریه امید بسته‌اند، سخت در اشتباه هستند. اولین گام اصلاح‌طلبان، جلب و بازسازی اعتماد از دست‌رفته باید باشد. شرکت در انتخابات در شرایط قهر اجتماعی می‌تواند به احساس بی‌پناهی و خشم جامعه و بی‌اعتمادی بیشتر جامعه به اصلاح‌طلب‌ها دامن بزند. اصلاح‌طلب‌ها که نماد آن‌ها سیدمحمد خاتمی است نمی‌توانند با انتخابات قهر کنند، انتخابات در کانون پروژه اصلاح‌طلبی قرار دارد. الان هرگونه تحولی یا تکلیف آن در کف خیابان روشن می‌شود و یا در صندوق‌های رای. اصلاح‌طلبان تحولات برآمده از کف خیابان را برای کشور فاجعه می‌دانند. مقصود من از کف خیابان راهبردهای معطوف به خشونت و نه اعتراضات اجتماعی است و گرنه تا زمانی که خالص‌سازی و ویژه‌گزینی، ناکارآمدی و بی‌کفایتی وجود دارد، مشکلات نیز وجود دارد و مسئول



اولین گام اصلاح‌طلبان، جلب و بازسازی اعتماد از دست‌رفته باید باشد. شرکت در انتخابات در شرایط قهر اجتماعی می‌تواند به احساس بی‌پناهی و خشم جامعه و بی‌اعتمادی بیشتر جامعه به اصلاح‌طلب‌ها دامن بزند. اصلاح‌طلب‌ها که نماد آن‌ها سیدمحمد خاتمی است نمی‌توانند با انتخابات قهر کنند، انتخابات در کانون پروژه اصلاح‌طلبی قرار دارد.

خسارتی که به کشور وارد می‌شود کسی است که حاضر به دست شستن از روش‌های اقتدارگرایانه در اداره کشور نیست. آنچه که به اصلاح‌طلبان مربوط است حمایت از مطالبات بحق جامعه و دفاع صریح و شفاف از حقوق آن‌هاست. اگر اصلاح‌طلبان می‌خواهند از انتخابات به‌عنوان فضایی برای کنشگری در نظم دسترسی محدود استفاده کنند، در اولین گام باید با قرار گرفتن در کنار جامعه اعتماد از دست‌رفته را بازسازی کنند. به گونه‌ای که وقتی خواستند در انتخابات شرکت کنند نه تنها پایگاه اجتماعی که دارند آن‌ها را به خیانت متهم نکند، بلکه برای حمایت از آن‌ها به صحنه انتخابات بیاید. اتفاقی که در سال ۸۸، ۹۲، ۹۴ و ۹۶ رخ داد. در غیر این‌صورت هم جامعه را از دست دادند و هم حاکمیت به این دلیل که از پشتوانه اجتماعی برخوردار نیستند. در این‌صورت آن‌ها دوره بیشتر پیش روندارند، یا باید دست از مطالبات اصلاح‌طلبانه بردارند و یا حاکمیت سهمی ناچیز به آن‌ها دهد و یا اینکه به‌طور کامل حذف شوند.

دیدگاه‌تان درباره انتشار بیانیه روزه‌گشایی چیست؟

در این مورد ابتدا تأکید می‌کنم که هر فردی یا جمعی حق دارد که اعتقادات خود را آزادانه بیان کند و هیچ انتقادی از این جهت به امضاکنندگان این بیانیه نیست و به‌هیچ‌وجه مجاز نیستیم براساس انگیزه و یا نیت درباره امضاکنندگان این بیانیه و یا هر کنش سیاسی دیگری اظهار نظر کنیم. اما این اقدام از چند جهت قابل بررسی است. یک، امضاکنندگان، دو، دلالت سیاسی این اقدام و سه، محتوای این بیانیه است. درباره امضاکنندگان مشکلی که مطرح است این است که بیانیه پس از اعلام موضع جبهه اصلاحات ایران مبنی بر عدم امکان ارائه لیست در تهران و حمایت آقایی خاتمی که فصل مشترک همه اصلاح‌طلبان است، منتشر شد و مردم را به رای دادن به ۱۰۰ تن از کاندیدها در سراسر کشور دعوت کرد. در میان امضاکنندگان این بیانیه کسانی هستند که عضو حقیقی و حقوقی جبهه اصلاحات هستند و مطابق آیین‌نامه جبهه اصلاحات اعضای جبهه مجاز نیستند بر خلاف موضع رسمی جبهه اتخاذ موضع کنند، بنابراین این افراد با امضای خود مرتکب یک تخلف آشکار شدند. همچنین تهیه‌کنندگان بیانیه که با وجود اطلاع از این ضابطه، ضمن تماس با اعضای جبهه از آنها خواستند این بیانیه را امضا کنند، مرتکب عملی غیراخلاقی شدند. اما درباره دلالت‌های سیاسی این بیانیه باید بگویم بر خلاف آنچه ادعا می‌شود، این بیانیه صرفاً یک تحلیل و نظریه در قالب بیانیه نبود، در این بیانیه البته یک نظریه علمی هم مطرح شده اما به دلایلی که در ادامه خواهم گفت، کاملاً یک اقدام سیاسی است. اول اینکه قوت و اعتبار یک تحلیل به مبانی و استدلال‌های آن بستگی دارد و هیچ متفکری برای اقیاع مخاطب به تحلیل و نظر خود در پی جمع‌آوری امضا بر نمی‌آید چراکه کثرت امضا به تقویت مبانی استدلالی کمکی نمی‌کند. همین موضوع که متنی تهیه شد و برای جلب توجه دیگران امضا جمع‌آوری شد و منتشر شد، یعنی یک کنش سیاسی صورت گرفت. نفس چنین کاری البته اشکالی ندارد و هر کسی می‌تواند دست به کنش سیاسی بزند اما نمی‌شود بیانیه سیاسی صادر و ادعا کرد: صرفاً تحلیل و نظریه‌ای علمی است. ممکن است یک اقدام سیاسی براساس نظریه سیاسی سامان پیدا کند، اما با استناد به علمی بودن مبانی، نمی‌شود ماهیت سیاسی آن را انکار کرد. بنابراین می‌توان این بیانیه را به مثابه یک اقدام سیاسی به شرح زیر نقد کرد: در بسیاری از فروشگاه‌ها تابلویی را می‌بینید که روی آن نوشته شده است حق با مشتری است. در عرصه سیاست نیز می‌توان گفت حق با مخاطبان است. بدین معنی که صحت و باعدم صحت یک اقدام سیاسی چندان ربطی به نیت صاحبان آن ندارد. مهم این است که مخاطبان از آن چه برداشتی دارند. یک کنشگر سیاسی پیش از اتخاذ هر موضعی به این می‌اندیشد که جامعه از اعلام موضع او یا حرف او چه برداشتی می‌کند. اگر به این نتیجه رسید که برداشت جامعه چیزی غیر از نیت و قصد او خواهد بود یا از آن اقدام صرف‌نظر می‌کند و یا نحوه اقدام و صورت سخن خود را تغییر می‌دهد. از این جهت می‌توان گفت در عرصه سیاست حق با مخاطبان است و نمی‌توان گفت برداشت جامعه از حرف من غلط بوده و نیت من چیز دیگری بوده است. براین اساس برای ارزیابی درستی و یا نادرستی این اقدام باید دید مخاطبان از این بیانیه چه برداشتی داشتند. تا جایی که من می‌دانم، مخاطبان این بیانیه را موضعی در برابر موضع جبهه اصلاحات و آقای خاتمی درک کردند. این نکته به قدری آشکار است که روزنامه حامی نویسندگان بیانیه ناگزیر شده دست به اقدامی غیراخلاقی بزند و بیانیه را با عکس آقای خاتمی و تیتراژ درشت همگام با خاتمی منتشر کند تا به مخاطبان القا کند این بیانیه ضدموضع خاتمی نیست بلکه با موضع ایشان همسوزین هست. نکته دوم اینکه این بیانیه صرفاً تثبیت یک نظریه و یا رویکردی نظری در عرصه سیاست نبود، بلکه بی‌پناهی در اعلام انتخاباتی بود که در آن اعلام شده بیش از صد نامزد با کیفیت وجود دارد و از مردم خواسته شده با شرکت در انتخابات به این افراد رای